

## کتابخانه ملی ایران

دکتر قاسم صانی

بحث و گفتگو درباره کتابخانه ملی و تأثیر عمیق و ضرورت قطعی فعالیت آن در پیشبرد مؤثر پیشرفتهای کشور در همه شئون و در تمام سطوح، به منظور کمک به انسانها جهت بهره‌مند شدن آنان از يك زندگي قرین سعادت در جهان نو، چنانکه باید، برآورده نشده است و حق آن است که در این باره کوششهای جدی و بررسیهای پردامنه به منظور طرح مسائل کتابخانه ملی، مبذول گردد. توجه به اهمیت و نقش وظایف کتابخانه ملی، سازمان دادن مؤثر و مناسب و ثمربخش، ضرورت ایجاد و توسعه قسمتهای مختلف و سرویسهای متعدد، لزوم سرمایه‌گذاری در خور و تأمین بودجه مناسب و مداوم برای آن به منظور تکمیل وسایل و مجموعه‌ها و فراهم ساختن تسهیلات و امکانات جدید و دسترسی سریع به آن، لزوم طرح‌ریزی برنامه‌های کوتاه مدت و دراز مدت در زمینه تربیت کادر فنی و فراهم کردن روابط عمومی لازم و بسیاری مسائل عمومی و تخصصی فنی کتابداری مستلزم مدتها بحث و مناقشه و مقاله‌نگاری است. در کشوری که می‌تواند به درستی ادعا کند که از هزار سال پیش مهد علم و دانش و معرفت و مظهر و نماینده شاخص و بارز علم و دانش یعنی کتاب و کتابخانه بوده، امروز با توجه به وسعت بیسابقه و سرعت روز افزون دانشها و هنرهای بشر در سطح جهانی باید توقع داشت که در امر انتقال صحیح، وسیع، مناسب و سریع گنجینه‌ها و اندوخته‌های سرشار و گرانبهای گذشته و حال در به ثمر رساندن بسیاری از تحولات مطلوب اجتماعی، نقش مؤثری ایفا کند و به منزله يك دانشگاه بزرگ، شبیه قلب نیرومندی باشد که خون حیاتبخش آموختن و یادگیری را به تمام پیکره دانشگاه برساند.

این سخن گزاف نیست اگر گفته شود با وجود کوشش‌ها و اقدامات وسیع نگهداری از میراث فرهنگی در کتابخانه ملی، هنوز احساس به اثبات رساندن يك نیاز مبرم، به عنوان نقش رابطه اندوخته‌های دانش بشری، به خواستاران و پژوهندگان معرفت، و راهنما و دستنامه‌ای برای هدایت و تعلیم و برانگیختن ابتکار برای نیل به پیشرفت و سعادت از کتابخانه ملی وجود دارد. شاید بخشی از این احساس به این واقعیت مربوط باشد که کارکردهای کتابخانه ملی بیشتر در قلمرو حرفه‌ای و شغلی بوده است، تا ساختارهای هویتی و بوم شناختی و ایجاد فضای وسیع ملی و آموزش رسمی اجتماعی و توجه به نیازهای همه جانبه اجتماع.

انعکاس سخنان روشنگر و آگاهی از ایده‌ها و آرای ریاست کتابخانه ملی ایران و نیز تبادل نظر با ایشان در مورد کتابخانه ملی و نکاتی ناگفته از مسائل و وظایف آن، مقدمه و راهگشایی برای طرح ضرورت شناخت رسالت و مأموریت توسعه و بسط فعالیت این کتابخانه در طیفی وسیع برای خدمت به مردم و پژوهشگران و ایجاد ارتباط و سامان بخشی به معلومات متفرق دانشوران با نظمی منعالی خواهد بود. امیدواریم به روشنی و به عین، جایگاه مطلوب کتابخانه ملی در جامعه علمی و فرهنگی کشور تحقق و نمود یابد و دیدگاه‌های بازتاب یافته در این گفتار ارزشمند، مورد تحلیل و ارزیابی صاحب نظران قرار گیرد.

این نکته پوشیده نماند که آنچه اینک در دسترس خوانندگان ارجمند قرار می‌گیرد، پی‌آمد بخشی از گفتگوی صمیمانه‌ای است که در زمینه مباحث فرهنگی و از جمله پیرامون موضوع حاضر صورت گرفته و بیشتر جنبه گفت و شنود دوستانه داشته است و به لحاظ مراعات احتیاجات عمومی، دریغ بود که در خزینه يك جلسه كوچك مدفون باشد و گناه بود که خوانندگان علاقه‌مند از بخشی از هدفها و فعالیتها و مسائل و مشکلات این مرکز عظیم و سترگ از دیدگاه مدیر ارجمند و دل آگاه آن بی‌نصیب مانند. آغاز بحث چنین بود که ما چه تصویری از کتابخانه ملی داشته باشیم؟

## گفتگو با دکتر سید محمد خاتمی

### رئیس کتابخانه ملی ایران

#### ● آقای دکتر درباره کتابخانه ملی و اهداف آن چگونه می‌اندیشید؟

○ درباره کتابخانه ملی از آن جهت کمتر سخن گفته‌ام که معتقدم از آن، در کشور ما فعلاً چیزی جز يك نام وجود ندارد. کمأ و کیفأ آنچه هست، نه تنها در حد يك کتابخانه ملی، آن هم متناسب با شأن فرهنگی والای مردم ما نیست، بلکه حتی آن را يك کتابخانه عمومی موفق نیز نمی‌توان دانست.

خوشبختانه سنگ بنای ایجاد کتابخانه ملی در سال ۶۹ گذاشته شد با تصویب اساسنامه‌ای خوب در مجلس شورای اسلامی، و فکر می‌کنم بازگفتن آنچه در این اساسنامه به عنوان اهداف کتابخانه ملی آمده است، رساترین پاسخ باشد به سؤال شما:

#### اهداف:

۱. گردآوری، حفاظت، سازماندهی و اشاعه اطلاعات مربوط به آثار مکتوب (چاپی و خطی) و غیر مکتوب در ایران و یا متعلق به ایرانیان خارج از کشور.
۲. گردآوری، حفاظت، سازماندهی و اشاعه اطلاعات مربوط به آثار مکتوب (چاپی و خطی) و غیر مکتوب در زمینه ایرانشناسی و اسلامشناسی، خصوصاً انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف).
۳. گردآوری، حفاظت، سازماندهی و اشاعه اطلاعات مربوط به آثار مکتوب و غیر مکتوب معتبر علمی، فرهنگی، فنی از

کشورهای دیگر.

۴. پژوهش و برنامه ریزی علمی کتابداری و اطلاع رسانی و

شرکت در تحقیقات و فعالیتهای بین المللی ذریبط.

۵. اتخاذ تدابیر و اخذ تصمیمات لازم برای صحت، سهولت و

سرعت امر تحقیق و مطالعه در همه زمینه ها به منظور

اعتلای فرهنگ ملی و انجام تحقیقات مربوطه.

۶. انجام مشاوره، نظارت، هدایت و ارائه خدمات فنی و

برنامه ریزی و سازماندهی کتابخانه های کشور.

۷. ارائه روشهای مطلوب به منظور هماهنگ کردن خدمات و

فعالیتهای کتابخانه های عمومی و تخصصی جهت تسهیل

مبادله اطلاعات.

در این اساسنامه، کتابخانه ملی با توجه به جایگاه مهمی که در عرصه

پژوهش و فرهنگ کشور باید داشته باشد، تحت ریاست عالیۀ رئیس جمهوری که

رئیس هیأت امناء هستند، اداره می شود. امیدوارم در آینده ای نه چندان دور،

کتابخانه ملی به جایگاه و پایگاهی که درخور آن است، برسد.

● **بفرمائید که وظایف کلان کتابخانه ملی در مقابل فرهنگ کشور چیست؟ در سطح**

**ملی چه می کند؟ چگونه می اندیشد؟ موقعیت کتابخانه و کارایی آن در این زمینه**

**چگونه است؟**

○ با کمال تأسف، هنوز بسیاری از اهل علم و فضل نیز کتابخانه ملی را با یک

کتابخانه عمومی (که دست بالا کتابهای بیشتر و عرضه مناسبتری به کتابخوانان

دارد) اشتباه می گیرند، و همین اشتباه، خود، گواه روشنی است براینکه در ایران

کتابخانه ملی به معنی دقیق کلمه وجود ندارد.

کار عمده کتابخانه های عمومی عرضه کتاب و برآوردن نیاز کتابخوانان از

حیث منابع تحقیق و تتبع و مطالعه است، اما کتابخانه ملی گرچه در حد خود،

عرضه کننده کتاب و آثار مکتوب هم هست، اما طبق وظیفه و مکانت سازمانی:

اولاً = خزانه کتاب و فرهنگ مکتوب و حتی آثار غیر مکتوب علمی و فرهنگی و فنی کشور است. ثانیاً = نظامبخش امر کتابداری و تعیین کننده استانداردهای کتابداری و کتابخوانی است. ثالثاً = زمینه ساز استقرار و بسط و تکامل نظام ملی اطلاع رسانی است. رابعاً = پشتیبانی دهنده معتبر و مهم به امر اسلامشناسی و ایرانشناسی است. به عبارت دیگر، اگر تشبیهی در این مورد روا باشد، نسبت کتابخانه ملی با کتابخانه‌های عمومی و امر کتابداری چون نسبت بانک مرکزی به بانکها و امور پولی کشور است. رسالت اصلی کتابخانه ملی تقویت بنیه علمی - فنی کتابخانه‌های عمومی و کارآمد کردن آنها و آسان کردن امر دسترسی به کتاب و اطلاع از سوی مردم است. فهرست نویسی‌ها، کتابشناسی‌ها، تهیه و نشر فهرستگان آثار مکتوب همگی در این جهت قرار دارد. کتابخانه ملی اگر جایگاه خود را بیابد و امکانات لازم را به دست آورد، نه تنها برآورنده نیاز اطلاعاتی هر متقاضی است، بلکه بزرگترین پشتیبان امر تحقیقات در کشور است. زیرا همان طور که می‌دانید، هر تحقیقی بر تتبع وسیع استوار است و وقت محقق نوعاً بیشتر صرف تتبع، جمع‌آوری مراجع، استخراج مطالب و تنظیم آنها می‌شود که پس از طی این مراحل تازه آماده اجتهاد و صدور رأی و نظر می‌شود. کتابخانه ملی می‌تواند و باید بار سنگین و فرساینده تتبع را برای پژوهشگر به غایت سبک کند و هر پژوهشگری با رجوع به کتابخانه ملی همه منابع مورد نیاز و مطالب مورد نظر در آن منابع را با مستقیماً از کتابخانه ملی به دست آورد، یا نشان دقیق آن را از آنجا بگیرد و به مخازن کتابخانه‌های دیگر رجوع کند. آنچه مورد نظر ماست این است که انشاءالله در آینده، ایران اسلامی صاحب کتابخانه ملی بی‌شود که موقعیت و کارایی لازم را نسبت به آنچه اجمالاً در بالا به آن اشاره شد، پیدا کند، و امیدوارم تلاشهایی که در این زمینه آغاز شده است، زودتر به

نتیجه برسد و عنایت مسوولان محترم اجرائی و قانونگذاری نیز هرچه بیشتر باشد، فاصله زمانی ما از وضع موجود به موقعیت مطلوب کمتر خواهد شد.

● جان کرایست اعلام می‌دارد که علم کتابداری جوانه‌ای است نورسته به پیکر تنومند علوم امروز، اما بیش از حد به وظایف و کارکردهای عملی و فرایندهای فنی عنایت کرده و کمتر به اصول نظری و عامی پرداخته است که بتواند هویت و هستی آن را جلوه‌گر سازد. آرمانهای عمده جامعه باید سرچشمه اهداف اصلی کتابداری باشد و کتابخانه‌ها به عنوان یکی از تشکیلات نهاد آموزش، بخش جدایی ناپذیر سازمان اجتماعی است و پاگرفتن و توسعه آن زاییده نیازمندیهای فرهنگی و در پاسخ به نیازهای اجتماعی است. شما نقش اصلی کتابخانه ملی و اصولاً کتابخانه‌ها را به منزله بخشی از سازمان اجتماعی، چگونه تعریف می‌فرمائید؟

○ اصولاً آنچه من از کتابداری می‌فهمم، فراهم آوردن ساده‌ترین، سریعترین و مطمئن‌ترین زمینه و راه دسترسی کتابخوان به کتاب و اسناد است. اما اینکه در جامعه گرایش به کتاب زیاد است یا کم؟ یا گرایش به کدام کتاب و مطلب بیشتر است؟ اینها اموری است اساسی که گرچه وجود يك سازمان کتابداری تا حدودی می‌تواند تأثیر در آن داشته باشد، ولی تأثیر اساسی بی‌ن ندارد. عامل اصلی عبارت است از اینکه جامعه در کدام درجه از بلوغ عقلانی و سیاسی قرار دارد و زمینه‌های انتخاب و اختیار تا چه حد برای او فراهم است. به عبارت دیگر، آنچه سرنوشت جامعه‌ای را تعیین می‌کند، موقعیت و مقام تفکر و آزادی مطلوب در آن جامعه است و بنده هم قبول دارم که کتابخانه بخشی از سازمان اجتماعی جامعه است، اما خود امر کتابخوانی و کتابخانه در يك جامعه منوط به این است که آن جامعه از حیث تاریخی و اجتماعی در چه مکانتی از بلوغ و قدرت‌گزینش قرار دارد.

● شما در مقایسه با کشورها، مثلاً همتای کوبایی یا سوری یا مصری یا پاکستانی، از حیث وظیفه در کتابخانه ملی چکار می‌کنید؟ مقایسه و تطبیق طرحها و کارهایی که دارید، چگونه است؟ به چه روش از امکانات آنجا باید استفاده کرد؟ چه تسهیلات و

تمهیداتی برای جلب علاقه‌مندان صورت می‌دهد؟ آیا کتابخانه قادر است در همه اوقات، حتی در دل شب، علاقه‌مندان و دانشوران را در دستیابی به منابع تحقیق مورد علاقه‌شان یاری دهد؟ آیا به منزله وسیله پیش بردن و در دسترس قرار دادن منابع فکری که جهت استفاده باید انباشته شود، رو به کمال رفته است؟

○ وقتی هنوز ما صاحب کتابخانه ملی نیستیم، چگونه می‌توان آن را با کتابخانه‌های ملی دیگر کشورها مقایسه کرد؟! البته ممکن است بعضی کشورهای دیگر در وضعیتی بدتر از وضعیت ما باشند. آنچه مهم است این است که بکوشیم تا هرچه زودتر عقب ماندگی‌ها را جبران و حداقلی از امکانات متناسب با یک کتابخانه ملی را جلب کنیم تا موقع مقایسه با دیگران فراهم آید.

خوشبختانه پس از تصویب اساسنامه، عزیزانی که پیش از من متصدی امر بوده‌اند، با یاری همکاران ارجمند در کتابخانه گام‌ها را برداشته‌اند و ما هم می‌کوشیم تا در ادامه آن راه گام برداریم.

فهرست‌نویسی برای همه کتابهای موجود، شناسائی کمبود مخزنها و تلاش برای رفع آن، به روزرساندن کتابشناسی‌ها و آماده شدن برای ورود به مرحله مهم تدوین فهرستگان که از جمله مهمترین وظایف کتابخانه ملی است، و کوشش سنگین برای تأسیس ساختمان اصلی و دائمی کتابخانه ملی و فعال شدن بخش پژوهش و پیگیری طرح بزرگ پژوهش در امر نظام ملی اطلاع رسانی و چند طرح پژوهشی سنگین در دست اجرا، راه‌اندازی مرکز آموزش کتابداری برای تربیت نیروی فاضل و کارآمد، از جمله اموری بوده است که جداً پیگیری شده است و با توجه به امکانات اندک موجود، از نتایج کار (هرچند کمال مطلوب نیست) ناراضی نیستیم و امیدوارم علاقه‌مندان به امر کتاب و کتابخانه به جای اینکه ادعایش را از ما بشنوند، نتایج عملی آن را ببینند.

اما اینکه برای جلب علاقه‌مندان چه تسهیلات و تمهیداتی صورت گرفته است، به نظر می‌رسد که سووال شما ناشی از همان ذهنیت باشد که کتابخانه ملی را يك کتابخانه عمومی، منتهی در سطحی بالاتر، می‌داند. به نظر من، اگر کتابخانه ملی حتی سالن قرائت هم نداشته باشد ولی بتواند خدماتهای لازم را به کتابخانه‌های

عمومی و کتابخوانان برای دستیابی بهتر و آسانتر به اطلاعات مورد نیاز بدهد، وظیفه خود را انجام داده است. جمع آوری کتاب در کتابخانه ملی در درجه اول به عنوان نگاهداری آن است، نه عرضه مستقیم آن که کار کتابخانه‌های عمومی است. البته کتابخانه ملی باید دارای چنان امکاناتی باشد که علاوه بر کتابهایی که به عنوان سرمایه‌های ملی برای همیشه نگاه دارد، از هر عنوان کتابها تعدادی داشته باشد که عرضه هم بدارد. و بیشتر باید مجمع محققان و متتبعان و مؤلفان باشد، تا مراجعه کنندگان عمومی، ولی در عین حال، در کتابخانه ملی تا دو سال پیش در تمام روزهای هفته (به جز جمعه) از ساعت ۸ بامداد تا ۷ شب به روی علاقه‌مندان باز بوده است و از دو سال پیش، با افزودن دو ساعت به زمان کار روزانه، همه روزه تا ساعت ۹ بعد از ظهر باز است و علاوه بر آن، روزهای جمعه نیز یکسره در خدمت علاقه‌مندان هستیم. و همین جا یکی از مشکلات مهم را بگویم که منابع در چند ساختمان پراکنده است و کسی که علاوه بر کتابهای فارسی و عربی و نشریه‌ها، به بعضی کتابهای لاتین، یا خطی، یا اسلامشناسی و ایرانشناسی احتیاج داشته باشد، مجبور است به سه ساختمان‌هایی که فاصله زیادی با هم دارند، رجوع کند، و بالاخره به سبب بعضی اشکالات ناخواسته اداری که مجال ذکر آنها نیست، باید بگویم که نه تنها محققان امکان دسترسی مناسب به کتابهای ارزنده خطی کتابخانه ملی را ندارند، خود ما هم در این زمینه با مشکلات روبه‌رو هستیم.

● امور مربوط به فهرستنویسی و خدمات فنی در کتابخانه ملی چگونه عمل می‌شود؟ پژوهشهای کتابخانه در مورد علم کتابداری چیست؟ کاربرد پذیری طبقه‌بندیهای علوم در رابطه با فرهنگ اسلامی این سرزمین چگونه است؟ مشکل فهرستنویسی را حل کرده است؟

○ امور مربوط به فهرستنویسی در کتابخانه ملی همواره یکسان عمل نشده است. تا قبل از انقلاب اسلامی برای کتابها فهرستبرگه‌های ابتدایی، خارج از استانداردهای بین‌المللی و بدون در نظر گرفتن رده‌بندی موضوعی، تهیه می‌شد. در این صورت، کتابها براساس شماره ثبت در قفسه‌ها قرار می‌گرفت. این است که امروز می‌بیند



حتی جلد‌های مختلف يك كتاب چند جلدی در قفسه‌های كتاب دور از همدیگر قرار گرفته است. علاوه بر این، چون تجزیه و تحلیل موضوعی نیز به دقت و براساس يك قاعده واحد انجام نمی‌شده، بازیابی مدارك كتابخانه از طریق موضوع، چندان موفق نبود. این روال تا سال ۱۳۶۲ ادامه داشت. در سال ۱۳۶۲ با ادغام مركز خدمات كتابداری در كتابخانه ملی، سعی شد فهرستنویسی و رده‌بندی كتابها برحسب میزانهای بین‌المللی انجام گیرد. در این مرحله متوجه شدیم که حدود پنج‌هزار نسخه از كتابهای مخزن فاقد حتی همان فهرستبرگه‌های ابتدایی است. به علت نابرخورداری مالی و ضعف مدیریتهای، امکان اینکه به گذشته باز گردیم، وجود نداشت. متخصصان كتابداری مركز خدمات كتابداری سابق، كار را از كتابهای سال ۱۳۶۲ آغاز كردند و در عین حال، مشغول آموزش به كارمندان غیر-متخصص كتابخانه ملی شدند. از سال ۱۳۶۲ تاکنون نیز با تعویض مدیریتهای و اعمال سلیقه‌های گوناگون، فهرستنویسی كتابها بارها دستخوش هرج و مرج شده است. ولی بحمدالله كوششهای به عمل آمده از سوی متخصصان كتابداری و اعضای هیأت علمی كتابخانه ملی برای فهرستنویسی و رده‌بندی و یکدست كردن فهرستبرگه‌ها و انسجام بخشیدن به آنها، نتایج خوبی داشته است. بنابراین، کلیه عناصر مهم يك كتاب که ممکن است مورد بازیابی مراجعه‌کننده قرار گیرد، براساس مستندهای تثبیت شده و ضوابط استاندارد انتخاب می‌شود. از آنجمله است: برگه‌های مستند موضوعی، برگه‌های مستند مشاهیر، مؤلفان، مترجمان و کلیه صاحبان قلم، مستندهای تنالگانها (سازمانهای دولتی و غیردولتی)، مستندهای ناشران.

فهرستنویسی ابتدا روی كار برگه‌های استاندارد شده مخصوص انجام می‌گیرد. سپس این كاربرگه‌ها به واحد کامپیوتر سپرده می‌شود و فهرستبرگه‌های مختلف يك كتاب توسط کامپیوتر تكثیر و بالانویسی می‌شود و سرانجام فهرستبرگه‌ها با كتاب مربوطه به مخزن ارسال می‌شود.

پژوهشهای كتابداری تاکنون عبارت بوده است از: تطبیق قواعد كتابداری بین‌المللی با ویژگیهای زبان فارسی و سنت كتابداری و فهرستنگاری در

کتابخانه‌های اسلامی که قدیمیترین آن در فهرست ابن ندیم متجلی است. همچنین پژوهش برای تدوین مبانی اصلی کتابداری ایرانی و متون مرجع که پایه پژوهشهای جامعه شناختی است. پژوهش و بررسی وضعیت موجود کتابخانه‌ها با توجه به مبانی تاریخی و تهیه استانداردهای لازم براساس عوامل و اطلاعات به دست آمده. پژوهشهای مربوط به تجزیه و تحلیلهای موضوعی آثار فارسی و تهیه مستندهای موضوعی و سایر مستندها که در بالا بدان اشاره شد. تدوین قواعد حرف به حرف نوبسی فارسی به لاتین و برعکس. تدوین قواعد نشانه مؤلف براساس ویژگیهای زبان فارسی و ویژگیهای اسامی ایرانی / اسلامی، و مهمتر از همه، پژوهش در رده‌بندیهای متداول جهان و تدوین بخشهای مربوط به ایران و اسلام، براساس نیازهای کتابخانه‌های کشور. این پژوهشها در سال ۱۳۸۱ با عنوان «کتابداری در ایران» در مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۱۳، شماره ۱، به چاپ رسید.

در مورد «کاربرد پذیری طبقه‌بندی علوم در رابطه با فرهنگ اسلامی» و اینکه آیا «مشکل فهرستنویسی را حل کرده است»؟ شایان یادآوری است که علوم بشری کلاً سرزمینی نیست، و امروز بخصوص با ارتباطهای فنی سریع، دیدگاههای رده‌بندی علوم خالص و علوم عملی در همه جهان کم و بیش یکسان است. اما در برخی زمینه‌های علوم انسانی، ویژگیهای ملی مطرح می‌شود و اهم پژوهشهای کتابداری باید در این زمینه فعال شود. کتابخانه ملی پیشرفت چشمگیری در این زمینه داشته است و تاکنون پژوهشهای گسترده‌ای را در زمینه رده‌بندی علوم اسلامی، تاریخ ایران، زبانهای ایرانی، ادبیات، جغرافیا، فلسفه اسلامی، موسیقی ایرانی، هنرها و صنایع دستی انجام داده است که اکثر آنها، به استثنای فلسفه اسلامی که در شرف اتمام است و هنرها و صنایع دستی چاپ و منتشر شده و مرتباً برمبنای دگرگونیها و یافته‌های تازه مورد ویرایشهای جدید قرار گرفته است و خواهد گرفت. به نظر نمی‌رسد که در این زمینه مشکل عمده‌ای وجود داشته باشد و همان طور که گفته شد، کمبودهای کوچک به تدریج در ویرایشهای جدید مرتفع خواهد شد. به جرأت می‌توان گفت که در این زمینه هیچ یک از کشورهای اسلامی و هیچ یک از کشورهای در حال رشد به پایه ایران نرسیده‌اند.

● امروز هزینه فهرست نویسی يك كتاب در هر کتابخانه حدود ۳۰۰ تومان تمام می شود. اگر کتابخانه ملی به عنوان مرکز اصلی، عهده دار امر فهرست نویسی بموقع آثار منتشره گردد، بدون تردید هزینه عظیمی برای همه کتابخانه ها صرفه جوئی می شود. هم نیروی زیاد و پراکنده از دوش کتابخانه ها برداشته می شود و هم امر فهرست نویسی و سایر خدمات فنی، دقیقتر و صحیحتر و کاملتر صورت می گیرد. در این زمینه کتابخانه ملی چه کرده و چه کارکرد فعالی به عهده دارد؟

○ صحیح است. فهرست نویسی هر کتاب در کتابخانه ها در واقع بیشتر از ۳۰۰ تومان هزینه دارد. سیصد تومان فقط برای تهیه يك برگه مادر به صورت دست نویس است. اگر حسابرسی دقیق انجام گیرد و همه عاملها و مرحله ها از ابتدا تا انتها در نظر گرفته شود، خواهیم دید که هزینه فهرست نویسی يك كتاب در کتابخانه ها حدود هزار تومان است، که روزه روزه هم افزایش می یابد. حال با در نظر گرفتن اینکه يك كتاب ممکن است به تعداد کتابخانه های کشور صدها بار فهرست نویسی شود، پس بیش از صدها هزار تومان از بودجه کشور صرف فهرست نویسی فقط يك عنوان كتاب می شود، و متأسفانه حاصل کار در بسیاری از موارد عاری از صحت و دقت کافی است. به همان اندازه نیز نیروی انسانی و وقت و انرژی افراد به هدر می رود. و این امر، با کمبود نیروی انسانی متخصص ضایعه ای دردناک است. نتیجه اینکه: وظیفه اصلی کتابخانه ها که اطلاع رسانی و خدمت به مراجعان، پژوهشگران و استفاده کنندگان از کتابخانه است، به کلی نادیده گرفته می شود و از نظر دور می ماند.

کتابخانه ملی طبق اساسنامه مصوب و وظیفه دارد کار فهرست نویسی را به طور متمرکز انجام دهد، به نحوی که هر عنوان كتاب فارسی فقط يك بار فهرست شود و فهرستبرگه های آن در اختیار سایر کتابخانه های کشور و نیز مراجع شرق شناسی و ایرانشناسی خارج از کشور قرار گیرد، تا هم نیرو، انرژی و بودجه به هدر نرود، و هم دقت، صحت و یکدستی که لازمه هر کار پژوهشی است، تضمین گردد.

اما این امر نیز به دلایل مختلف که توضیح آن خارج از حوصله این مجمل است، به جد گرفته نشده است. زیرا امر فهرست نویسی همچنان که گفته شد، غالباً بموقع و روزآمد نبوده است. خلاصه کلام آنکه از سال ۱۳۷۳ کتابخانه ملی سعی

کرده است کتابها را برحسب دریافت، منظمأ فهرست کند و با ورود کامپیوتر به کتابخانه، چاپ فهرستبرگه‌ها نیز همزمان انجام می‌شود و کلیه کتابخانه‌ها می‌توانند فهرستبرگه‌های کتابهای جاری را از کتابخانه ملی با بهائی نازل خریداری کنند. اگر این روال ادامه بیابد، می‌توان امیدوار بود که حداقل برای کتابهای آینده مشکل دوباره کاری و چند صدباره کاری از میان برداشته شود. و نیز امیدوارم که امکان کافی فراهم شود تا کار فهرستنویسی کلیه کتابهای گذشته نیز به سامان برسد. (انشاءالله)

● جامعه از طریق کتابخانه ملی، چگونه با کتابهای جدید و آثار پیشینیان آشنا می‌شود؟ چگونه می‌توان در کتابخانه ملی با محققان ارتباط ایجاد کرد و جنبه‌های مهم کارهای تحقیقاتی آن، چگونه است؟ چه پاسخی به جامعه دارید؟ چرا فهرست کتابهای سال ۷۱ هنوز تدوین نشده است و اکنون چند سال است این توقف صورت می‌گیرد؟

○ بهتر است از آخر شروع کنیم: تنها کتابهای سال ۷۱ نیست که فهرست نشده است. بسیاری از کتابهای سالهای ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۲ هم به همین سرنوشت دچار است. از کتابهای سال ۶۲ تا ۶۸ که ادعا می‌کنیم کلاً فهرست شده، فقط آنچه به کتابخانه رسیده است فهرست شده، نه آنچه در ایران منتشر شده است. این مسأله کراً در مقدمه کتابشناسیهای سالهای مورد نظر تذکر داده شده است. متأسفانه ارسال کتاب به کتابخانه ملی همواره با تعلل انجام شده است، گرچه طی سالهای اخیر با همت عزیزان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سامان و وضع بهتری پیدا کرده است. بودجه و امکانات خرید کسریها و کمبودها، بخصوص در گذشته، وجود نداشته است... و اینهمه، بحثی است طولانی که به زمانی دیگر نیاز دارد.

و اما انتشار فهرست کتابهای روز، یا به تعبیری کتابشناسیهای ملی، بهترین و سریعترین و متداولترین وسیله ارتباط کتابخانه ملی با جامعه است. از این راه، مردم کشور ما در همه جای ایران و نیز در خارج از کشور حداقل از انتشارات کشورشان آگاه می‌شوند و می‌دانند که اگر آنها را در هیچ جا پیدا نکنند، می‌توانند در کتابخانه

ملی بدانها دسترسی بیابند. در این زمینه نیز کتابخانه ملی در گذشته قدمهایی را برداشته است، ولی نتوانسته است این اولین وسیله اطلاع رسانی را بهنگام و روزآمد نگهدارد. در بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی و حتی برخی از کشورهای به اصطلاح جهان سوم، کتابشناسیهای ملی ۱۵ روز یک بار منتشر می شود و در فواصل سه ماهه، ششماهه، یکساله و پنجساله در هم ادغام می گردد. این، بدان معنی است که محققان و کتابدوستان می توانند حداکثر یک ماه پس از انتشار کتاب، از وجود آن اطلاع بیابند. وقتی کتابشناسیهای سال ۷۰، ۷۱، ۷۲ هنوز منتشر نشده است، طبیعی است که کتابخانه ملی اولین و اساسی ترین وسیله ارتباطی خود را با جامعه از دست داده است.

به هر حال، همان گونه که قبلاً اشاره شد، از سال ۱۳۷۳ سعی شده است این امر روزآمد شود و کتابشناسی سال ۱۳۷۳ با تأخیری به مراتب کمتر از گذشته منتشر شود. البته هنوز تهیه آنها به صورت پانزده روزه میسر نیست. کتابشناسی ششماهه اول سال ۷۳ هم اکنون زیر چاپ است و نیمه دوم آن در ماههای اول سال ۷۴ منتشر خواهد شد. با پژوهشهایی که در امر چاپ کامپیوتری کتابشناسیها در دست اجراست، امید می رود که در سال ۷۴ تحول چشمگیری در امر چاپ و انتشار کتابشناسیها پدید آید. (انشاءالله).

ارتباط دیگر کتابخانه با محققان از راه فهرستبرگه ها و پاسخگویی دقیق و سریع به مراجعان و شرکت در جستجوهای کتابشناختی (Bibliographic Search) برای محققان و مراجعان و نیز انجام طرحهای اشاعه اطلاعات، گزینشی برای آنان است. منظور این است که برای دانشپژوهان مراجعه کننده به کتابخانه، پرونده های خاص پژوهشی تشکیل می شود و اطلاعات مورد نیاز آنان به محض ورود به کتابخانه، پیشاپیش بدانان ارسال می شود... چنین است که کتابخانه ملی اعتبار و حیثیت خود را باز می یابد و محل مراجعه پژوهشگران و دانشپژوهان و دانشجویان می شود، نه جایی که فقط دانش آموزان به مطالعه کتابهای درسی خود پردازند.

پژوهشهای مربوط به مراجعان (User Studies)، که به شیوه ارتباط شکل می دهد و کاربرد اشاعه اطلاعات گزینشی، حتی آغاز هم نشده است. کتابخانه ملی

راه درازی برای رسیدن به اهداف اصلی و اساسی خود در پیش دارد.

● مشکلاتی که به عنوان رئیس کتابخانه ملی احساس می‌کنید نمی‌توان حل کرد، کدام است؟

○ مهمترین امری که می‌تواند گره‌گشا باشد، به نظر من اهتمام و عنایت بیشتر مسوولان به جایگاه و مکان کتابخانه ملی و نقش اساسی آن در امر تحقیق و تتبع و پژوهش و اطلاع‌رسانی است، که اگر چنین شد، امکانات لازم نیز برای رساندن کتابخانه به این مکان معنوی و برآوردن نیاز اهل علم و تحصیل فراهم خواهد آمد.

مشکل فوری عبارت است از: فضای مناسب علمی کتابخانه که تا فراهم

نیاید، برای انجام هر وظیفه‌ای با مشکل روبه‌رو خواهیم بود. پراکندگی

ساختمانهای کتابخانه، عدم امکان بهره‌گیری مناسب از بعضی ساختمانهای

موجود، کمبود فضا، به طوری که بسیاری از کتابها را به ناچار به جای اینکه به

مخازن بیاوریم در انبار نگاه می‌داریم. وضع نابسامان و غیر مطمئن فضاها و موجود و

مخازن، و البته کمبود منابع مالی و مشکل نیروی انسانی را نیز نباید ناگفته گذاشت.

امیدوارم در سال ۷۴ عملیات احداث ساختمان اصلی کتابخانه در ۹۰ هزار

مترمربع به یاری حضرت حق آغاز شود. ولی امید است تا چند سالی که این

ساختمان آماده بهره‌برداری شود، تلاش ما در جهت کسب امکانات بیشتر و

اولویت‌بندی در انجام وظایف و تفکیک امور زیربنایی از برنامه‌های جنبی یا کم-

اهمیت‌تر به نتیجه برسد، و حرکت آغاز شده به سوی ایجاد يك کتابخانه ملی

آبرومند برای جمهوری اسلامی را شتابانه‌تر ادامه دهیم.

★★★

امید آنکه اندیشه‌های عرضه شده در این گفتگو، با همان شور و شوقی که انجام گرفته و به نگارش

در آمده، مورد اقبال کتابداران و صاحبان ذوق و اندیشه و مسوولین امر قرار گیرد و با مورد مذاقه قرار دادن

این اندیشه‌ها، تجزیه و تحلیل انتقادی و مسوولانه در میان عالمان و پژوهشگران علم کتابداری و کارگزاران

کتابخانه‌ها رشد کند. و آناترا، در راهی که به جهت کوشش پی‌گیر تخصصی‌شان برگزیده‌اند، دلگرمی و

شادمانی بخشد.